



توضیح دادگستری تهران درباره آزادی دو خبرنگار

علی القاصی، رئیس کل دادگستری استان تهران در جلسه شورایعالی قضایی با اشاره به آزادی دو روزنامه‌نگار را قرار تأمین وثیقه و بعد از ۱۷ ماه بازداشت، گفت: «دادگاه انقلاب پس از رسیدگی به پرونده این دو فرد، با توجه به اینکه مرحله انجام تحقیقات و جمع‌آوری اطلاعات متقن در خصوص این دو پرونده مقدراری طولانی شده بود و پرونده در دادگاه تجدیدنظر بود، این دادگاه طبق قانون تصمیم گرفت که قرار بازداشت این دو نفر را فک کند و در نتیجه این دو نفر با قرار تأمین وثیقه آزاد شدند.» وی گفت: «در ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری تصریح شده که «مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در جرایم موجب مجازات سلب حیات مدت بازداشت موقت از دو سال و در سایر جرایم از یک سال نباید تجاوز کند.» دلیل آزادی افراد یادشده با قید وثیقه آن بود که دادگاه با توجه به مدت زمانی که از بازداشت آن‌ها می‌گذشت، طبق ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری، مکلف به فک قرار بازداشت موقت بود؛ علی‌القاعده در آینده نزدیک، حکم این دو نفر از سوی دادگاه صادر و ابلاغ خواهد شد.»

مرکز رسانه قوه قضائیه نیز به دنبال آزادی با قرار وثیقه الهه محمدی، خبرنگار روزنامه هم‌میهن و نیلوفر حامدی، خبرنگار روزنامه شرق اطلاعیه‌ای صادر کرد. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «در پی آزادی این دو نفر با قرار وثیقه، با وجود این پیش‌فرض اشتباه که آن‌ها به اتهام جاسوسی در زندان بوده‌اند این سوال و ابهام حقوقی مطرح شده است که چطور دو جاسوس با قید وثیقه آزاد شده‌اند؟ در صورتی که این امکان قانونی برای افراد متهم به جاسوسی وجود ندارد. اما نکته اساسی این است که آیا این دو متهم جاسوس بودند؟» در ادامه این اطلاعیه آمده است: «طبق دادنامه صادره از سوی دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده متهمین، اتهام‌های این دو نفر تحت عنوان: همکاری با دولت متخاصم آمریکا، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت کشور و فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است. این امر حاکی از این است که جاسوس بودن این دو نفر برای دستگاه قضایی احراز نشده است. براساس ماده ۵۰۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات): هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که مجارب شناخته نشود، به یک تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌گردد. همانطور که مشخص است در این ماده عنوان جرم «همکاری با دول متخاصم» ذکر شده که متفاوت از عنوان جرم جاسوسی در قانون مجازات اسلامی است. بنابراین با توجه به اینکه اتهام این افراد جاسوسی نمی‌باشد، آزادی آنها با قید وثیقه مانع قانونی ندارد. با توجه به اینکه، دادگاه تجدیدنظر استان تهران با تبدیل «قرار بازداشت» این دو متهم به «قرار وثیقه» موافقت کرده است، هرکدام از این دو نفر پس از ۱۷ ماه حبس و با سپردن قرار وثیقه ۱۰ میلیارد تومانی تا زمان صدور حکم دادگاه تجدیدنظر که به گفته رئیس کل دادگستری استان تهران در آینده نزدیک خواهد بود، بیرون از زندان با سر خواهند برد.»



صدور کیفرخواست برای آتش سوزی کمپ ترک اعتیاد

محمد موحدی آزاد، دادستان کل کشور در جلسه شورایعالی قضایی، از صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست علیه ۷ شخصیت حقوقی و حقیقی در پرونده آتش سوزی کمپ ترک اعتیاد شهرستان لنگرود، در مرحله دادرسی و ارسال پرونده به دادگاه خبر داد و گفت: در مرحله دادرسی، فردی که در گذشته ۳۶ روز به عنوان مددجو در این کمپ حضور داشت، اعلام کرد به انگیزه‌هایی حاضران در کمپ، اقدام به آتش زدن آن کرده است؛ همچنین در بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد در حالی که ظرفیت پذیرش این کمپ ۳۰ نفر بوده است، اما ۴۹ نفر در آن پذیرش شده بودند؛ مدیرکل بهزیستی استان گیلان نیز همچنان تحت قرار نظارت قضایی قرار دارد.

سوخختن و ساختن

کارگرانی که در واحدهای صنعتی آلاینده اصفهان مشغول به کارند ابتلای شان به انواع بیماری‌ها را روایت می‌کنند



عکس: ایژنا

پروژه منشأیابی ذرات معلق توسط دانشگاه صنعتی و سیاهه انتشار آلودگی هوای اصفهان را دانشگاه اصفهان در سال ۱۳۹۶ انجام داد. یافته‌های این پژوهش که در رسانه‌ها منتشر شده، حاکی از این بود که منطقه‌ای مانند اصفهان که در شعاع ۳۰ کیلومتری آن عوامل مختلف آلاینده و شهرک‌های صنعتی است و در اطراف آن واحدهای تولیدی و درون شهر حمل‌ونقل و ناوگان‌های سبک و سنگین و اصناف مختلفی وجود دارد که همیشه فعال هستند، متأثر از مناطق پیرامون خود است و آرسوی دیگر تحت‌تأثیر کانون‌های گردوغبار در شرق اصفهان و استان‌ها و کشورهای همسایه است که با بارندگی و تغییر اقلیم کاهش یا افزایش پیدا می‌کنند. سال ۱۳۹۶ که این تحقیق انجام شد، در فصول سرد عمده آلودگی ناشی از صنایع ۳۷ درصد و از فرآیند احتراق بود. این عدد در صورت ثابت‌بودن فعالیت در فصول گرم سال نیز همین میزان بوده، اما اثرگذاری آن متفاوت است. آلاینده‌های هوا فقط ذرات معلق نیست، آلاینده‌هایی مانند اکسیدنیترژن که از فعالیت‌های صنعتی، نیروگاه‌ها و حمل‌ونقل ناشی می‌شود باید در نظر گرفت، این‌ها وقتی وارد هوا می‌شود به‌صورت ذره‌ای بروز می‌کنند و به ذرات هوا می‌چسبند که تحت‌عنوان آلاینده‌های ثانویه شناخته می‌شوند و بین ۱۱ تا ۱۳ درصد سهم آلودگی ذرات معلق هوای شهر اصفهان در فصول سرد و گرم سال ناشی از این بخش است. احمدی کیا در این باره توضیح می‌دهد: «به‌طور کلی، میزان تأثیر آلاینده‌های صنایع در شهرهای اطراف آنها به‌شدت تابع زمان و مکان، نوع آلاینده، شرایط هواشنامی، توپوگرافی و فاصله آنها تا شهر است و اگر فاصله صنایع از شهر دور باشد، اثر آنها به‌صورت تصاعدی کاهش می‌یابد.» او آلاینده‌های هوای صنایع را به دو شکل ذرات معلق و گازی تقسیم می‌کند: «ماهیت متفاوتی با یکدیگر دارند. ذرات معلق با قطر کمتر از دوونیم میکرون جزو خطرناک‌ترین آلاینده‌ها هستند. آلاینده شاخص اصفهان همین ذرات معلق هستند که میانگین سالانه آن با توجه به داده‌های ایستگاه‌های پایش محیط‌زیست و شهرداری اصفهان بیش از ۳۹ میکروگرم بر مترمکعب است که برابر رهنمودهای سازمان بهداشت جهانی و ۲/۳ برابر استاندارد ملی ایران است؛ متأسفانه در چندسال اخیر هر ساله ۲/۲ میکروگرم بر مترمکعب بر غلظت ذرات معلق اصفهان افزوده شده است. علاوه بر خودروها، کارخانجات تولید آهن و فولاد و ریخته‌گری‌ها، منابع اصلی انتشار ذرات معلق هستند. همچنین صنایعی که با سوختن و عمل‌آوری خاک مرتبط هستند؛ مثل کوره‌های آجرپزی، آهک و گچ و صنایع سیمان که در اصفهان نیز تعدادشان زیاد است نیز جزو منابع مهم انتشار ذرات معلق هستند.» به گفته او، در چندسال اخیر به دلیل تغییر اقلیم و خشکسالی‌ها، ریزگردهای محلی و خارجی نیز به ذرات معلق اصفهان افزوده شده است. اما خطرناک‌ترین نوع ذرات معلق، مربوط به صنایع تولید و ذوب فلزات هستند؛ زیرا مقادیر زیادی فلزات سنگین در مواد اولیه و افزودنی‌های آنها وجود دارند که به اتمسفر منتشر می‌شوند. بیشترین قسمت نیز مربوط به بخش فولادسازی است که مواد مختلف با هم ترکیب می‌شوند و نزدیک ۵۰ درصد آن ذرات ریز هستند. اگر این صنایع از قراضه‌ها نیز استفاده کنند، علاوه بر ذرات معلق، ترکیبات آلی فرار و گازهای سمی زیادی نیز وارد جومی‌کنند. در کارخانجات تولید آهن، به‌ارای یک تن فولاد بسته به کیفیت فیلتراسیون بین نیم تا ۵ کیلوگرم، ذرات معلق منتشر می‌شوند. در ریخته‌گری‌ها یا ذوب فلزات، به‌ارای تولید یک تن محصول، ۷ تا ۳۲ کیلوگرم ذرات خطرناک وارد اتمسفر خواهد شد که معمولاً فلزات سنگینی هستند که هم برای کارکنان، هم برای محیط اطراف بسیار خطرناک هستند. اما معمولاً صنایع کوچک مثل ریخته‌گری‌ها یا اصلاً فاقد فیلتر نیستند یا اینکه فیلتر آنها کار نمی‌کند؛ در حالی که راندمان فیلتراسیون آنها باید بالای ۹۹ و نیم

اندود» کار کرده است. او سه، چهار سالی است که جابه‌جا شده، اما می‌گوید محیط کارش بسیار آلوده بود: «مبتلا به فشار خون شده‌ام و ریه‌هایم هم مشکل پیدا کرده. می‌گویند، «نای» باریک شده و مشکل تنفسی پیدا کرده‌ام. چندسالی است که از اسپری تنفسی استفاده می‌کنم. خردم می‌دانم که همه اینها به دلیل مواد آلاینده و محیط آلوده‌ای است که با آن سروکار داشته‌ام.» با این همه به گفته خسرو، تنها بخش‌هایی از واحد «قلع اندود» شامل سختی کار می‌شوند: «مثلاً سختی کار شامل کارگرانی که در بخش برش کار می‌کنند (۳۹ متر با قلع اندود فاصله دارد) نمی‌شود. تسهیلات خاصی هم نسبت به عوارضی که کار در این محیط‌ها دارد به این کارگران ارائه نمی‌شود.»

▼ خاک آلوده

کارگران واحدهای کوچک که آلاینده بسیار دارند، وضعیتی نامطلوب‌تر از سایر کارگران دارند. حضور پی‌درپی در محیط‌های آلوده و مجاورت با مواد آلاینده برای آنها نان چندانی که نه، اما عوارض زیاد دارد. «ابراهیم»، افغانستانی است. ۲۲ سال بیشتر ندارد، اما از وقتی یداش می‌آید، شانه‌ی‌شانه پسر، روزها را در کوره آجرپزی کار کرده و شب‌ها هم همان جاد را اتاقی سه، چهارمتری، کنار دو کارگر دیگر خوابیده: «کارگران کوره‌های آجرپزی، روزانه حدود ۸ تا ۱۲ ساعت کار می‌کنند و معمولاً هم شب‌ها همان جا می‌خوابند. حتی بعضی‌های شان با خانواده زندگی و کار می‌کنند.» زندگی ابراهیم و دیگر کارگران کوره آجرپزی، رنگ‌خاک گرفته و تک‌تک نفس‌های شان آغشته به خاک و گردوغبار شده؛ به‌ویژه کارگران کوره‌سوز: «کارگران چاره‌ای جز این ندارند. بیشترشان افغان‌اند و کار می‌کنند تا بتوانند برای خانواده پول بفرستند. بسته به میزان کاری که می‌کنند، حقوق می‌گیرند؛ بین ۸ تا ۱۵ میلیون. افغان‌ها قیارداد و بیمه‌ای ندارند و اگر مریض شوند، تمام هزینه‌های درمان را باید خودشان بدهند.» سرفه‌های بی‌امان و پوست‌های پر چین و چروک برای آنها عادی است. او می‌گوید: «خیلی سال است که کوره‌های آجرپزی دیگر با مازوت کار نمی‌کنند و سوختشان گاز است؛ به‌همین‌دلیل آلودگی شان کمتر شده و کارگران عوارض کمتری متحمل می‌شوند. فعلاً فقط گردوغبار است که برای آنها مشکل ساز شده.»

▼ سایه ذرات بر زندگی

ابراهیم، اما خبر ندارد که خاک سوخته چقدر خطرناک است و آلودگی بسیار بالایی دارد. حسین احمدی کیا، دانشیار گروه مکانیک و عضو گروه پژوهش آلودگی هوای پژوهشکده محیط‌زیست دانشگاه اصفهان، که از سال ۱۳۹۶ مطالعات سیاهه انتشار آلودگی هوای این کلانشهر را انجام و در این حوزه فعالیت می‌کند، در گفت‌وگو با «هم‌میهن» بر این موضوع تأکید می‌کند: «کوره‌های آجرپزی و آهک، آلاینده‌های بسیار خطرناکی تولید می‌کنند؛ چراکه با عمل‌آوری خاک در دمای بالا، مقادیر زیادی ذرات معلق تولید می‌شود. همچنین با سوختن خاک، گازهای هیدروژن فلوراید و هیدروژن کلراید تولید می‌شود که میزان آن اندازه‌گیری نمی‌شود، اما وقتی وارد اتمسفر می‌شود، دیگر جزو آلاینده‌های خطرناک به‌شمار می‌روند. از همه مهم‌تر فلزات سنگین و غباری است که از آنها استخراج می‌شود.» به گفته او، مهم نیست که این کوره‌های آجر چه سوختی مصرف و از چه تکنولوژی‌ای (هافمن یا رولری) استفاده می‌کنند، بلکه واحدهای تولید آجر در حین سوزاندن خاک و عمل‌آوری آن در دمای بالا، ذرات معلق ریز را وارد هوا می‌کنند. در فرآیند تولید آجر خام (از معدن تا ورود به کوره) نیز ذرات زیادی منتشر می‌شوند. از آنجا که تعداد این کارگاه‌ها در محدوده اصفهان زیادند، هم بر محیط شهری و شهروندان، هم به‌طور ویژه بر کارکنان خودتأثیر می‌گذارند.»

گزارش کارگران

مریم احمدی‌فر

خبرنگار اجتماعی

۶ ماه، یک‌سال و شاید ۱۰ سال طول بکشد تا سرفه‌های خشک و پی‌درپی امان‌شان را ببرد و ریه‌های شان پُر از آلودگی‌ها شود، چین و چروک‌های ریزودرشت بر دستان‌شان نشینند و پوست‌شان زنگار ببندد. خوش‌شانس اگر باشند، سرطان با آنها کاری ندارد، اما دیگر بیماری‌ها به‌تدریج خودشان را نشان می‌دهند تا زمانی که موعد بازنشستگی برسد؛ یعنی همان موقعی که نفس‌های آغشته به آلودگی‌ها، دیگر نایی برای فوت کردن شمع‌های کیک بازنشستگی برای آنها باقی نگذاشته است و مواد آلاینده، ریه‌های شان را اشباع کرده: «کارخانه سیمان سپاهان، حدود ۱۵ هزار فیلتر دارد که هم کارگرانی که وظیفه تعویض یا نگهداری از آنها را دارند، در معرض آلودگی بسیار شدیدی قرار دارند. حالا هم که سهمیه گاز کم شده و کارخانه از سوخت‌مازوت استفاده می‌کند، آلودگی بسیار بیشتر شده است؛ ضمن اینکه برای جلوگیری از تعویض و خرابی فیلترها آنها را نیمه‌شب‌ها بازمی‌کنند، در حالی که حجم زیادی از گردوغبار محوطه و شهرهای اطراف را آلوده می‌کند.»

۱۰ سال است که «عبدالله» در کارخانه سیمان سپاهان اصفهان مشغول به‌کار است و در این سال‌ها کارگرانی را دیده که به‌دلیل حقوق اندک، حاضر شده‌اند مدت‌زمان طولانی را در محوطه آلوده این کارخانه به‌سر ببرند؛ کارگرانی که خیلی‌های‌شان مشکل ریوی و تنفسی پیدا کرده‌اند: «بعضی‌ها هم نتوانسته‌اند این حجم از آلودگی را تحمل کنند و پس از چند سال، کار را رها کرده‌اند. کارگرانی که در واحدهای بازگیر خانه، کوره‌ها، فیلتراسیون و آسیاب کار می‌کنند، پس از ۱۰ تا ۱۵ سال، ریه‌های شان با مشکل روبه‌رو می‌شود؛ به‌ویژه اگر جای‌شان عوض نشود.» عبدالله می‌گوید که خیلی از این کارگرها روزمزدند و قراردادهای درست و حسابی هم ندارند: «هرموقع کار هست، می‌آیند و به تعداد روزهایی که آمده‌اند، حقوق می‌گیرند و بیمه برای‌شان رد می‌شود؛ در حالی که خط تولید را همین کارگران می‌چرخانند. شاید در ماه حقوقی بین ۶ تا ۱۰ میلیون بابت چنین کار سنگینی دریافت کنند.»

▼ سوختن و ساختن

سه، چهار سالی است که ریه‌اش مشکل پیدا کرده و سرفه‌های پی‌درپی، بالای جانش شده. هر بار که به پزشک مراجعه کرده، شنیده که اگر می‌خواهد وضعیت‌اش بدتر نشود، باید از حضور در محیط آلوده و سروکار داشتن با مواد آلاینده، دوری کند. «میثم»، ۱۵ سال است که در کارخانه ذوب آهن کار می‌کند و ۷ سال از آن را در واحد کک‌سازی بوده است. می‌گوید: همسرش اصرار دارد که کار را رها کند و برای حفظ سلامتی‌اش به شمال برود، اما «مگر به همین سادگی هاست؟ از کجا معلوم، اگر به شمال سفر کنم، بتوانم برای خودم کاری دست‌وپا کنم؟ چطور باید خرج و مخارج زندگی را تأمین کنم؟» همه این امالو‌اگرها و سوال‌ها کنار هم قرار گرفته و معادله‌ای مجهول برای آینده میثم رقم زده است. او می‌گوید: «چاره‌ای جز سوختن و ساختن ندارم، تا زمانی که بازنشسته شوم و بتوانم کارم را رها کنم.»

حکایت زندگی کارگران و کارمندانی که در واحدهای آلاینده کار می‌کنند، شبیه به هم است: آنهایی که ساعت‌های طولانی در مجاورت انواع آلاینده‌ها و مواد آلوده قرار دارند و به بیماری‌های مختلفی مبتلا می‌شوند؛ مثل خسرو که حدود ۱۹ سال در واحد «قلع